

جایگاه استقلال اقتصادی زنان در نظام قانون گذاری اسلام با تأکید بر حق اشتغال زنان

جليله صالحی^۱

مریم افتاده^۲

چکیده

زنان از جمله اعضای فعال و اساسی جامعه هستند؛ از این رو تأکید بر حق اشتغال و استقلال اقتصادی آن‌ها، می‌تواند به توسعه و پیشرفت اقتصادی جامعه کمک کند. با توجه به اهمیت خاص این مسئله، نظام‌های قوانین و فرهنگ‌ساز برای رعایت هرچه بیشتر عدالت و توسعه اقتصادی در جامعه باید به تبیین دیدگاه خود پردازند و در جهت شناخت و حل موانعی که برابر تحقق کامل این امر وجود دارد، تلاش کنند. برای تحقق این امر، بررسی جایگاه استقلال مالی و اقتصادی زنان در نظام قانون گذاری اسلام، موضوعی بنیادین در بحث حقوق و جایگاه زنان در اسلام است. این پژوهش با هدف تبیین دیدگاه اسلام در این زمینه به بررسی مصادیق و مبانی در متون اسلامی انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد اسلام علاوه بر این که مخالفتی با استقلال مالی و اقتصادی زنان ندارد، به شدت بر آن تأکید کرده و از حقوق اقتصادی بانوان دفاع می‌نماید. آیات قرآنی همچون آیات ارث و مهریه بر حق مالکیت مستقل زنان تصریح می‌کند و حق کسب روزی و اشتغال آنان را به رسمیت می‌شناسد. فقه اسلامی نیز با رویکردی مبتنی بر کرامت انسانی، عدالت و آزادی فرد، بر خودگردانی

مالی زنان و عدم تکلیف آنان در هزینه‌های خانواده تأکید دارد. تحقق استقلال اقتصادی زنان در اسلام افزون بر آثار ارزشمند فردی، آثار مثبت اجتماعی نظیر رونق اقتصادی، بهره‌وری بهتر و کاهش آسیب‌ها را نیز به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: زنان، اشتغال، اقتصاد، استقلال مالی، اسلام.

بیان مسئله

استقلال اقتصادی زنان به معنای داشتن حق و توانایی برای کسب و کار و درآمد خود، بدون وابستگی به دیگران و به‌ویژه مردان است. به بیان دیگر منظور از استقلال مالی و اقتصادی زنان، توانایی آنان در تملک اموال و دارایی‌ها، کسب درآمد، مدیریت امور مالی، تصرف در اموال شخصی و خودگردانی در هزینه‌کرد و مصرف است. استقلال مالی یکی از مهمترین ارکان استقلال شخصیتی و اجتماعی زنان به‌شمار می‌رود. این امر موجب افزایش اعتماد به نفس، کرامت و منزلت آنان می‌شود و از موقعیت فرودستی و وابستگی مالی زنان جلوگیری می‌کند. استقلال مالی همچنین به بهره‌گیری بهینه از توانمندی‌های انسانی و اقتصادی جامعه منجر می‌شود. این مسئله، به‌عنوان یکی از مهمترین جنبه‌های استقلال شخصیت و هویت زنان، موضوعی کلیدی در بحث جایگاه زن در نظام قانون‌گذاری و ارزش‌های اسلامی به‌شمار می‌آید. زنان نه تنها نیازمند حق اشتغال و استقلال اقتصادی برای تأمین نیازهای خود هستند، بلکه این امر می‌تواند تأثیری مستقیم بر شکل‌دهی به زندگی فردی و اجتماعی آنان در حال و آینده داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت رویکرد قوانین حاکم بر جامعه نسبت به این مسئله برای تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت اقتصادی جامعه اهمیتی به‌سزا دارد. در نتیجه، با توجه به اهمیت جایگاه زنان در نظام حقوقی و اقتصادی جامعه اسلامی، تبیین دیدگاه و رویکرد اسلام به عنوان یک نظام قانون‌گذار و فرهنگ‌ساز در مورد مسئله استقلال مالی زنان و حق اشتغال آنان با هدف شناخت موانع در برابر تحقق عدالت جنسیتی و توسعه اقتصادی در جوامع اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. از این رو نویسندگان در این

جستار جایگاه استقلال مالی و اقتصادی زنان را با تأکید بر حق اشتغال آنان، در نظام قانون‌گذاری اسلامی بررسی می‌کنند.

برای رسیدن به این هدف، نخست باید به پرسش‌های ذیل در تبیین بیشتر دیدگاه نظام قانون‌گذاری اسلام پاسخ دهیم:

آیا نظام قانون‌گذاری اسلام از استقلال مالی و اقتصادی زنان حمایت می‌کند؟

آیا زنان هم مانند مردان از حق مالکیت برخوردارند؟

حق کسب درآمد و اشتغال برای زنان در نظام قانون‌گذاری اسلام چگونه تبیین شده است؟

با توجه به وظایف همسری و مادری زنان چه موانعی برای اشتغال آنان بیرون از منزل پیش‌بینی می‌شود و راه حل قانون‌گذار برای رفع این موانع چیست؟

روایات متعارض در این زمینه را چگونه می‌توان تفسیر نمود؟

چهارچوب نظری

نویسندگان در نوشتار پیش‌رو با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی جایگاه استقلال مالی و اقتصادی زنان در نظام قانون‌گذاری اسلام را (با تأکید بر اشتغال زنان) بررسی می‌کنند. برای این منظور، اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه متون قرآنی، روایی و کتب حقوقی و فقهی، گردآوری و تجزیه و تحلیل خواهد شد.

با بررسی‌های انجام شده، مشخص گردید در این زمینه تاکنون، آثار و پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که می‌توان به آنها استناد نمود؛ از جمله:

کتاب «مالکیت خانواده»، نوشته موسی رحیمی و رضا رحیمی دهسوری ۱۳۹۴ که جایگاه حقوقی افراد یک خانواده را از نگاه فقه اسلامی بررسی می‌کند و به برخی از شبهاتی که درباره مسائل مالی وجود دارد، پاسخ می‌دهد.

کتاب «اعتبارات مالی برای زنان» تألیف مهرا ریکا و ترجمه فاضله خانی در سال ۱۳۸۲ که به مسئله مالی زنان در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد؛

مقاله «زن و استقلال اقتصادی» نوشته احمد طاهری نیا ۱۳۸۴ که در آن نویسنده تنها به مباحث قرآنی این مسئله می‌پردازد؛

مقالات «زن، فعالیت اقتصادی و استقلال مالی» نوشته عزت‌الله واعظی، ۱۳۹۷ و «بررسی دیدگاه اسلام در مورد عملکرد اقتصادی زنان و نقش آنان در توسعه اقتصادی» تألیف سهیلا بی ریا، ۱۴۰۰ بیشتر به مسئله فعالیت اقتصادی زنان از منظر قرآن می‌پردازند.

اما در این پژوهش، نویسندگان با رویکرد تحلیلی، آیات و روایات فقهی در مسئله حق مالکیت و استقلال مالی زنان را بررسی می‌کنند و با توجه به کتب تفسیری، روایی و حقوقی، حق اشتغال زنان در نظام قانون‌گذاری اسلام را به صورت اختصاصی تبیین می‌کنند. سپس، تزاخم‌های موجود میان حق اشتغال و وظایف مادری و همسری زنان در راستای احقاق این حق را بررسی می‌نمایند.

۱. استقلال اقتصادی

«استقلال اقتصادی»، که ترکیبی از دو واژه «استقلال» و «اقتصاد» است که دو کاربرد دارد: یکی در ارتباط با دولت‌ها و کشورها و دیگری در ارتباط با اشخاص و افراد. این اصطلاح در کاربرد نخست، به معنای خوداتکایی دولت یا ملت به منابع مالی خود و تولیدات داخلی و عدم وابستگی به دولت‌های بیگانه است. (جعفری، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۴)

اما استقلال مالی در کاربرد دوم، به سه معنای ذیل به کار می‌رود:

الف. اهلیت مالکیت و صلاحیت بهره‌مندی از اموال و دارایی؛

این مقدار از استقلال اقتصادی برای هر انسانی، حتی کودک و دیوانه، وجود دارد که در قانون مدنی ماده ۹۵۶ درباره آن آمده است: اهلیت برای دارا بودن حقوق با

زنده متولد شدن انسان آغاز شده و با مرگ او تمام می‌شود. نقطه مقابل این معنا عدم اهلیت برای مالکیت است که مصداق آن در گذشته، بردگان بودند و اکنون برای آن مصداق عینی یافت نمی‌شود.

ب. استیفای حق مالکیت و تصرف در اموال خود

این اهلیت مختص بالغ عاقل رشید است (مهرپور، ۱۳۷۹، ص ۳۵-۳۲). کسی که از نظر شرعی و قانونی بتواند در دارایی‌های خود تصرف کند و اداره اموالش دست خودش باشد، استقلال اقتصادی به این معنا را داراست. بنابراین افراد نابالغ و غیرعاقل و غیررشید مانند صغیر، سفیه و مجنون که اهلیت تصرف در اموال خود را ندارند و اداره اموالشان به دست نماینده قانونی آنهاست، استقلال اقتصادی به این معنا را ندارند.

ج. اتکا به خود در تأمین هزینه‌های فردی و عدم وابستگی مالی به غیر

کسی که درآمدی دارد و از راه کسب و کار خویش، زندگی‌اش را اداره می‌کند و در هزینه‌های جاری خود وابسته به کسی نیست، استقلال اقتصادی به این معنا را دارد. لازمه این معنا از استقلال اقتصادی، بهره‌مندی از درآمد مالی است، بنابراین کسانی که درآمد مالی ندارند و نمی‌توانند خود را اداره کنند، استقلال اقتصادی ندارند. برای مثال، فرزندی که در هزینه زندگی به پدر وابسته است، استقلال اقتصادی ندارد (طاهری‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۶۳-۶۲).

مقصود از «استقلال اقتصادی زنان» در این مقاله، کاربرد دوم آن است.

۲. جواز فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن

شواهدی که از قرآن برای جواز فعالیت زنان می‌توان استنباط کرد، در چهار دسته قابل بررسی است:

۱. آیاتی که انسان را به بهره‌گیری از منابع طبیعی رهنمون کرده است؛ مانند آیه: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ لُتُّورٌ» (ملک، ۱۵) «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد. بر شانه‌های آن راه بروید و

از روزی های خداوند بخورید.» تعبیر کلوا من رزقه به تعبیر علامه طباطبایی به معنای انواع طلب و تصرف در زمین است. از طرفی واژه «کلوا» خطاب به همه صنوف است و همه انسان‌ها اعم از زن و مرد را دربرمی‌گیرد و به گروهی خاص اختصاص ندارد. جمع مذکر بودن واژه «کلوا» هم دلیلی بر این نیست که این آیه خطاب به مردان است، بلکه روش قرآن در بیان احکام مشترک این است که از خطاب مذکر استفاده نماید (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۱۳).

۲. آیاتی که بر لزوم وفای به عقد دلالت دارد؛ همانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (مائده، ۱)؛ «ای افرادی که ایمان آوردید! به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید.» جمله «أوفوا بالعقود» امر است و انسان را به هر چیزی که به آن عقد گفته می‌شود، امر کرده است. این آیه دو جنبه دارد: نخست از نظر مصداق عقد که در آن عقد خاص بیان نشده است؛ دوم از نظر مخاطب که زن و مرد را دربرمی‌گیرد. در هیچ فرازی از قرآن، حکم وفای به عقد به گروه و صنف خاص اختصاص نیافته است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۵۸)

۳. آیاتی که درباره تحریم برخی معاملات است. خداوند برخی از معاملات را نظیر خرید و فروش که نوعی کسب و تلاش اقتصادی است، حلال کرده و فرموده است: «... أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ...»؛ (بقره، ۲۷۵) «خداوند بیع را حلال کرد» و پاره‌ای از موارد را حرام شمرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ (آل عمران)؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! ربا را چند برار نخورید». این هم یکی از احکامی است که میان زن و مرد مشترک است و هیچ مطلبی بر تفکیک جنسیتی دلالت ندارد.

ملاک ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی عنوان «اکل مال به باطل» و معیار سنجش و مشروعیت آن صدق عنوان «تجاره عن تراض» است. تمام فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد از این دو حالت خارج نیست، اما هیچ یک از این آیات، اشتغال زن

بیرون از خانه را نفی نمی‌کند. بنابراین اگر زن بیرون از خانه کاری یا فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد، در صورتی که از نظر شرع مجاز است، مانع ندارد و صرف بیرون از خانه بودن دلیلی بر ممنوعیت آن شمرده نمی‌شود. (طاهریان، ۱۳۸۹، ص ۲۶۱)

۴. آیاتی که اشتغالات خاص را معرفی می‌کند، یا می‌توان جواز فعالیت کار را از آنها استنباط کرد. دسته‌ای از آیات جواز بر اشتغال زنان در بیرون از خانه است. این آیات به حرفه پیا شغل خاص اشاره دارد. البته این آیات در مقام بیان حرفه یا شغل برای انسان‌ها نیست، بلکه مقصود فعالیت‌های رایج در آن زمان بوده است و هم اکنون هم عده‌ای این فعالیت‌ها را انجام می‌دهند. این فعالیت‌ها به گروه خاص اشاره ندارد و همه انسان‌ها اعم از زن و مرد را دربرمی‌گیرد؛ مانند آیه ۲ سوره مائده، آیه ۱۴ سوره نحل، آیه ۲۳ سوره قصص و غیره.

۳. استقلال مالی زنان در نظام خانواده

در کنار اصل مالکیت و کسب درآمد، مسئله دیگری که در تبیین استقلال مالی زنان اهمیت دارد، نحوه مدیریت امور مالی ایشان در قالب خانواده است. براساس احکام اسلامی، زنان بر حقوق و دارایی‌های خصوصی خود تسلط کامل داشته و هیچ‌گونه اجباری در هزینه کردن اموال خود برای خانواده ندارند. همچنین زن در برابر هزینه‌هایی که همسرش می‌پردازد، دین و تکلیفی ندارد و این امور از استقلال مالی ایشان نشان دارد.

به بیان دیگر بنا بر اصول و بینش اسلام، زن در نظام خانواده خود چه در تصرفات مالی و چه در آن مالی که خود از اشتغال کسب می‌کند، استقلال مالی کامل دارد و اعضای دیگر خانواده نیز بدون اذن او حق تصرف در آن مال‌ها را ندارند.

۳-۱. استقلال در تصرفات مالی

فقها اصل «استقلال در تصرفات مالی» را تحت عنوان «قاعده تسلیط» بررسی کرده‌اند. منظور از قاعده مورد بحث این است که «هر انسانی بر اموال متعلق به خود،

تسلط دارد و به هر صورت که بخواهد می‌تواند در آنها تصرف کند و اشخاص دیگر نمی‌توانند مانع این کار شوند، مگر در مواردی که وی شرعاً از تصرف در مال خود منع شده باشد.»

مهمترین آیه مستند این اصل، آیه ۲۹ از سوره نساء است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در اموال یکدیگر به طریق باطل تصرف نکنید، مگر این که این تصرفات، هب واسطه تجارت و معامله‌ای باشد که با رضایت طرفین واقع می‌شود.»

اصل اولی در اسلام این است که همه مردم در تصرفات مالی خود از استقلال برخوردار باشند. از این حیث میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد، مگر این که دلیل شرعی معتبری بر منع فرد از تصرف در اموال خودش دلالت کند.

۲-۳. استقلال مالی زوجین

قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ...» (نساء، ۳۲)؛ «مردان را از آنچه کسب می‌کنند و نیز زنان را از آنچه به دست می‌آورند، بهره‌ای است»

کلمه اکتساب به معنی به دست آوردن است، اما راغب اصفهانی معتقد است:

کلمه اکتساب در به دست آوردن فایده‌ای استعمال می‌شود که انسان می‌خواهد خودش از آن استفاده کند و بهره‌برداری اختصاصی از آن نماید و کسب، هم آنچه را خود می‌خواهد استفاده کند و هم آن چیزی را که برای دیگران به دست می‌آورد، دربرمی‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۱).

از این رو، مفاد آیه چنین خواهد بود که هر یک از زن و مرد، چیزی را که به دست می‌آورند؛ خواه اختیاری باشد مانند کسب درآمد، یا غیراختیاری مانند

ارث و غیره به خودشان اختصاص دارد و حق استفاده و بهره‌برداری را به‌طور مستقل خواهند داشت.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

اگر مرد یا زن از راه عمل چیزی به دست می‌آورد، خاص خود اوست و خدای تعالی نمی‌خواهد به بندگان خود ستم کند. از اینجا روشن می‌شود که مراد از اکتساب در آیه، نوعی حیازت و اختصاص دادن به خویش است، اعم از این که این اختصاص دادن به وسیله عمل اختیاری باشد؛ نظیر اکتساب از راه صنعت و حرفه، یا به غیر عمل اختیاری. لیکن بالاخره منتهی می‌شود به صفتی که داشتن آن صفت باعث این اختصاص شده است... و معلوم است که هر کس، هر چیزی را کسب کند، از آن بهره‌ای خواهد داشت و هر کسی هر بهره‌ای دارد، به خاطر اکتسابی است که کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۵۹).

یکی از مفسران با برداشتی گسترده‌تر از این آیه، درباره آزادی زنان در اشتغال و تجارت می‌گوید:

خداوند در کسب و تجارت، به نسبت سعی و کوشش هر کسی از مرد و یا زن از نعم خود عطا می‌فرماید... آیه شریفه دلیل است که زنان هم می‌توانند به تجارت مشغول شوند و همچنین به نسبت کوشش خود از نعمات الهی بهره مند شوند (علوی حسینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۵۲).

بنابراین در منظر دین، زن از استقلال کامل اقتصادی در نظام خانواده هم برخوردار است.

۵. حق مالکیت اقتصادی زنان در اسلام

در بینش دینی زن نیز دارای ویژگی‌های شناخت انسانی است. خداوند متعال به زن نیز مانند مرد حواس ظاهری و باطنی و اعضاء و جوارح بخشیده است. به یقین با توجه به وجود هدف در افعال الهی، تجهیز زنان به این ابزارها هدفمند است. زن مجاز است از

این ابزارها در راهی که شرع برای او تعیین کرده است و در راه تکامل مادی و معنوی خود بهره ببرد. ممنوع کردن زن از فعالیت اقتصادی به معنای تعطیل کردن بخشی از استعدادهاست که خدا برای او در نظر گرفته و این مخالف حکمت الهی است. (طاهریان، ۱۳۸۹، ص ۲۷۲)

زنان در اسلام از دو نوع حقوق مالکیتی برخوردارند:

الف) حقوق خصوصی: دربردارنده نفع خود شخص آنهاست (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ص ۸۲). اعم از حقوق اختصاصی زن که منافع آن تنها مربوط به زن می باشد یا حقوق مشترک بین زن و مرد که هر دو از آن حقوق بهره مند خواهند بود.

ب) حقوق عمومی: که تامین کننده منافع جامعه و مردم است (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ص ۸۳).

در ادامه به بررسی برخی از درآمدهای مالی زنان از جمله مهریه، ارث و اشتغال می پردازیم.

۴-۱. مهریه

«مهریه» یا «صداق» عبارت است از حق مالی که به محض زناشویی بر عهده مرد قرار می گیرد و از حقوق اختصاصی زن می باشد که قرآن نیز می گوید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...» (نساء، ۴)؛ «مهر زنان را با کمال رضایت و طیب خاطر به آنها بپردازید.»

در اسلام مهریه تا آن درجه اهمیت دارد که اگر شوهر زنی، کافر شود و مهریه زنش را نپرداخته باشد، دولت اسلام او را موظف به پرداخت می کند و در صورت عدم قدرت پرداخت وی، از بیت المال می پردازد. حتی حاکم اسلامی حق ندارد از زن بخواهد مهریه خودش را ببخشد یا از آن چشم پوشی کند. (ناظمی، ۱۳۸۹، ص ۳۶)

براساس دستورات اسلام، مهریه به خود زن تعلق می گیرد و اولیای وی و شوهر و هر کس غیر از زن از دخالت و تصرف در آن منع شده اند. ویژگی نظام حقوقی اسلام

در مقایسه با دیگر نظام‌های حقوقی آن است که ضمن پذیرش رسم مهریه، عروس را مالک بی قید و شرط آن می‌داند و برای خانواده عروس سهمی در مهریه قائل نیست (بستان، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

اهمیت استقلال مالی زن، به قدری است که قانون شرط عدم مهر را باطل دانسته (ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران) و حتی در صورت عدم تعیین مهر، زن غیرمدخوله را مستحق مهرالمتعه و زن مدخوله را مستحق مهرالمثل می‌داند.

اسلام در تأمین حقوق مالی زن تا جایی پیش می‌رود که به زن اختیار می‌دهد پس از وقوع نکاح تا اخذ کامل مهریه از تمکین در زندگی زناشویی که بر زن واجب است و عدم رعایت آن موجب نشوز و سقوط نفقه می‌گردد، خودداری نماید. اسلام با اعطای چنین حقی به زن از وابستگی مالی وی به مرد جلوگیری نموده و از قرار دادن وی در وضعیتی که منجر به عسر و حرج گردد، پیشگیری کرده است.

۴-۲. ارث

زن پیش از اسلام در بسیاری از تمدن‌ها و قوانین کشورها از ارث محروم بود، مثلاً در اسکانندیناوی و برخی کشورهای اروپایی دختر ارث نمی‌برد (صدر، ۱۳۹۵، ص ۳۲). ولی اسلام این رسم را از بین برد و حق مسلمی از ارث را برای زن تشریح نمود که در بیشتر موارد یک دوم ارث مرد است. این تفاوت هم بدون حکمت نبوده و به گفته علامه طباطبایی نیمی از سهم مرد طبعاً صرف نفقه و مخارج زن خواهد شد و به زن باز خواهد گشت. قرآن در آیه «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء، ۷) حق ارث زنان را اثبات می‌کند. خداوند در این آیه زن را کنار مرد قرار داده و همانند او ذی‌حق در دریافت ارث معرفی می‌کند و استقلال او را نشان می‌دهد، در شرایطی که در جامعه عرب آن روز و حتی دیگر ملل معاصر آن، زن نه ارث می‌برد و نه حق مالکیت داشت.

حتی در حقوق داخلی ایران اسلامی استقلال مالی زن مورد تأکید قرار گرفته است که براساس ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی «زن می‌تواند به‌طور مستقل در دارایی خود هر تصرفی را بنماید» (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۱۸).

یکی از مهم‌ترین مصادیق تجلی استقلال مالی زنان در اسلام، مسئله مالکیت می‌باشد. براساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومان (ع) زنان همانند مردان دارای حق مالکیت هستند و می‌توانند اموال و دارایی‌های خود را مدیریت کنند. آیات متعدد قرآن نظیر آیات میراث (نساء، ۷ و ۱۱) تصریح می‌کنند که زنان برای اموالی که از راه‌های مشروع مالک شده‌اند، استقلال کامل دارند.

۴-۳. نفقه

نفقه عبارت است از پرداخت هزینه‌های عمومی و عادی زن در خانواده، مانند خوراک و پوشاک و مسکن و دیگر نیازهای ضروری زن در حد متعارف که باید از طرف مرد به زن پرداخت شود. پیامبر (ص) در آخرین خطبه خود به آن اشاره کرده و فرموده است: «... فعلیکم کسوتهن و رزقهن بالعمروف...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۳۰).

بر شما مردان است که لباس و خوراک زنان‌تان را به نیکی تامین نمایید، افزون بر آن مستحب است مردان تلاش بیشتری کرده، زنان و خانواده را در رفاه و آسایش قرار دهند تا زن بتواند با آسودگی به وظایف اصلی خود که تربیت فرزند است خاطر بپردازد.

در حدیثی از حضرت رضا (ع) به وجوب ایجاد رفاه و آسایش برای زن تأکید شده و حضرت می‌فرمایند: «صاحب النعمه یجب ان یوسع علی عیاله» (تحف العقول، حر انی، ص ۴۶۶)؛ «کسی که از نعمت زیادی برخوردار است باید در هزینه عیالش گشاده دست بوده و بر آن وسعت بخشد».

۴-۴. اشتغال

منظور از استقلال مالی داشتن در اشتغال یعنی بانوان در درآمد و یا حقوق و مزایای شغلی که در قبال فعالیت و یا کاری که انجام می‌دهند؛ چه در داخل و چه در خارج از منزل استقلال دارند و مالکیت آن به صورت کامل در اختیار خود آنان است و دیگران بدون اجازه ایشان حق دخل و تصرف در آن را ندارند. یکی از مهم‌ترین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره استقلال مالی افراد در کسب و کار خود، اصل چهل و ششم و چهل و هفتم است که تفاوتی برای زن و مرد در این مورد قائل نشده است. بر اساس این اصول: هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالک کسب و کار خود، امکان کسب و کار را دیگری سلب کند و مالکیت شخصی از راه مشروع، محترم است.

۵. حق اشتغال و کسب درآمد زنان در اسلام

افزون بر اصل مالکیت، یکی دیگر از مصادیق استقلال اقتصادی زنان، حق آنها در کار و کسب درآمد است. هیچ دلیل شرعی برای محدودیت فعالیت اقتصادی زنان وجود ندارد و قرآن و سنت از این حق دفاع کرده است. خود پیامبر (ص) و همسران ایشان نمونه‌هایی از زنان شاغل و دارای درآمد مستقل بودند. این امر نشان‌دهنده تأکید اسلام بر استقلال اقتصادی زنان است.

۵-۱. بررسی در آیات قرآن

حدود دویست آیه از قرآن در مورد زنان نازل شده است. آیاتی که در قرآن بر استقلال مالی و اقتصادی زنان دلالت دارند به سه دسته تقسیم می‌شوند:

اول: آیاتی که زنان را مالک اموال و ارثی که به دست می‌آورند، می‌دانند.

الف) درآمد و بهره‌ای که انسان با اراده و اختیار خود به دست می‌آورد: بر اساس آیه ۳۲ سوره نساء «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لَّجَالِ نَصِيبٍ مِّمَّا كَسَبْتُمْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»؛

«هریک از زن و مرد از آنچه اکتساب کنند، بهره‌مند می‌شوند...»؛ «زنان نیز مانند مردان اختیار اداره و تصرف در اموال خود را دارند. در این آیه از زنان به‌طور مستقل کنار مردان نام برده شده است و زنان مانند مردان مالک دارایی‌هایی هستند که از تلاش خود به‌دست می‌آورند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۷۴).

حتی می‌توان از این آیه برداشت وسیع‌تری هم داشت، چنان که یکی از مفسران از این آیه برداشت کرده است زنان هم می‌توانند به تجارت مشغول شوند و به نسبت سعی و کوشش خود از نعم الهی بهره‌مند گردند. (علوی حسینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۵۲).

ب) ارثی که به زنان می‌رسد: بر اساس آیه ۷ سوره نساء، خداوند حکم ارث زن را کنار حکم ارث مرد عنوان می‌کند. «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا»؛ «برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی است». «در این آیه زنان همچون مردان، مالک ارثی هستند که به آنان می‌رسد.

دوم: آیاتی که به مردم امر می‌کنند که اموال و دارایی زنان را به خودشان بدهند.

الف) مهریه زنان: ازدواج تنها یک قرارداد غیرمالی و اخلاقی نیست، بلکه دارای برخی جنبه‌های مالی نیز می‌باشد. از جنبه‌های مالی ازدواج می‌توان مهر و نفقه را نام برد. در حقوق ما به تبعیت از فقه امامیه، زوجین از نظر مالی، استقلال کامل دارند. مهریه یا صدق، مالی است که زن با ازدواج مالک آن و مرد به دادن آن ملزم می‌شود. (صفایی و امامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۶۶)

ب) نفقه زنان: نفقه، اسم مصدر از فعل انفاق می‌باشد و دربردارنده خوردنی، پوشیدنی و محل زندگی یا کاشانه زن می‌گردد (دیانی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸). براساس آیه

۷ سوره طلاق «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»؛ «آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدست هستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده است، تکلیف نمی کند؛ خداوند به زودی بعد از سختی ها آسانی قرار می دهد.»

دستمزد شیر به زنان: بر اساس آیه ۶ سوره طلاق: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...»؛ «اگر برای شما (فرزند را) شیر می دهند، پاداش آنها را پردازید» این آیه نیز افزون بر استقلال زنان، بر مالکیت زنان نیز دلالت دارد. در مورد حق دریافت شیربهاء حمایت قانون گذار در اینجا به گونه ای است که حتی درباره یک سرمایه طبیعی چون شیر، برای مادر، حقوق مالی قرار داده است.

سوم: آیاتی که تصرفات خاص زنان را بیان می کنند:

الف) بخشش زنان «هبه»: «بر اساس آیه ۴ سوره نساء «فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا»؛ «اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید» این آیه نشان دهنده این است که مهر زنان ملک آنان می باشد و اگر زنان از مهرشان به شوهرشان بخشیدند، یعنی آنها مجاز در تصرف اموالشان هستند و زن می تواند قسمتی از اموال خودش را به همسرش بخشش کند (انصاری قریطی، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۲۴).

ب) مصالحه زن با شوهر: بر اساس آیه ۱۲۸ سوره نساء: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا...»؛ «اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند» این آیه در ارتباط با نشوز مرد است و در مواردی است که مرد به ادامه زندگی با همسرش راضی نیست و زن می تواند برای راضی کردن او به ادامه زندگی بخشی از حقوق شوهرش را به او صلح کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۰۶).

ج) عفوشوهر: بر اساس آیه ۲۳۷ سوره بقره «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ...»؛ «و اگر آنان را پیش از آن که با آنها تماس برقرار کنید و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، (الزام است) نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند» این آیه نیز نشان دهنده این است که زنان صاحب اختیار اموال خودشان هستند. (بیک زاده و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲۵۵۷-۲۵۶۷)

۲-۵. بررسی در روایات

همچنین با نگاهی به منابع روایی و تاریخی درمی‌یابیم که اشتغال زنان به معنای کار درآمدزا به خودی‌خود هیچ ممنوعیتی در اسلام ندارد، بلکه به عنوان یک واقعیت مفروض گرفته شده است.

قرآن کریم از دختران پیامبر بزرگ، حضرت شعیب (ع) یاد کرده که به کار چوپانی اشتغال داشته‌اند، (قصص، ۲۳) بر حسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) در مشاغل گوناگونی به‌عنوان کار درآمدزا فعالیت می‌کردند؛ از جمله تجارت (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۵، ص ۱۳)، صنایع دستی (همان، ج ۲۴، ص ۲۶۴)، ریسندگی و بافندگی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۷۴)، آرایشگری (همان، باب ۱۹ از ابواب ما یکتسب به، ص ۹۳-۹۵)، خدمات خانگی (همان، ج ۱۵، باب ۳۴ از ابواب العدد، ص ۴۶۱)، اجاره املاک (همان، ج ۱۳، باب ۳۱ از کتاب الاجاره، ص ۲۸۰)، تولید مواد خوشبوکننده (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۵، ص ۴۹۶) و غیره. بنابراین در آن زمان نیز به‌استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند روسپی‌گری و آوازخوانی در مجالس گناه (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، باب ۵ و ۱۵ از ابواب ما یکتسب به، ص ۶۴-۶۵، و ص ۸۵-۸۴)، هیچ مخالفتی با اشتغال زنان صورت نگرفته است، هر چند توصیه و تشویق خاصی نیز نسبت به اشتغال زنان در متون دینی مشاهده

نمی‌شود.

در اسلام هیچ معنی برای اشتغال زنان به کارهای مناسب و شایسته وجود ندارد، بلکه حتی برکار و تلاش برای همه افراد تأکید شده است تا با کمک همسران خود بهتر بتوانند به تربیت فرزندان خویش بپردازند. آنچه در اسلام برای زنان ممنوع شده از این جهت است که آنان مورد ظلم قرار نگیرند و کارها و مشاغل نامناسب و دور از شأن خود را برنگزینند، یا به کارهای سخت که از نظر جسمی توانایی انجام آنها را ندارند، مجبور نشوند، و گرنه مانعی برای حضور زن با تمام شرایط و موازین اسلامی در هیچ کاری دیده نمی‌شود. یک قاعده کلی عقلی و فطری وجود دارد که براساس آن دادن هر مسئولیتی به هر فردی باید براساس لیاقت و توانایی او باشد.

علی (ع) می‌فرماید: «ان احق الناس لهذا الامر اقواهم علیه واعلمهم بامر الله فيه» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷، ص ۵۵۸)؛ «شایسته‌ترین مردم برای زمام‌داری (و حتی هرکاری) کسی است که برای اداره آن کار از همه تواناتر و به دستورات خدا در این باره آگاه‌تر باشد»

این یک اصل عقلی است که نه تعبد بدان راه دارد و نه قابل تخصیص است، یعنی نمی‌توان بر آن استثناء زد؛ زیرا احکام کلی عقل همانند قواعد ریاضی غیرقابل تخصیص هستند. مثلاً یکی از احکام عقلی این است که ظلم، قبیح است. بر این حکم عقلی نمی‌شود تبصره ای زد و موردی را یافت که ظلم باشد، ولی قبیح نباشد، چون همه جا ظلم، قبیح است. بنابراین زن در حد توانایی جسمی و روحی خود با رعایت موازین اسلامی و رعایت حقوق همسر خود می‌تواند هر نوع شغلی را برگزیند و در جهت ادای وظیفه خود از هیچ کوششی دریغ نکند. حتی در منابع فقهی آمده است اگر زنی قبل از ازدواج به انجام کاری اشتغال داشت و شوهر با قبول همین وضعیت رضایت خود را اعلام کرد، حق ندارد با اشتغال او مخالفت کند، مگر این که با حق و حقوق او منافات داشته باشد و به کاری مشغول شود که خلاف شرع باشد که

در قانون مدنی ماده ۱۱۱۷ به این موضوع اشاره شده است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانواده یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.»
 درباره این که آیا شغلی منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت مرد است یا نه؟ نمی‌توان ضابطه کلی به دست داد. بلکه این امر برحسب زمان و مکان و وضع خانواده تفاوت می‌کند و تشخیص آن با عرف است (ناظمی، ۱۳۸۹، ص ۴۸).
 بنابراین می‌توان حکم اولی اشتغال زن در اسلام را جواز آن دانست، اگرچه با ملاحظه قیود خاصی ممکن است، احکام دیگری مانند کراهت یا استحباب به‌عنوان ثانوی برای آن ثابت شود.

۳-۵. بررسی وجه کراهت اشتغال زنان در برخی روایات

تأمین نیازهای معیشتی خود و خانواده، کسب عزت نفس، برآوردن نیازهای جامعه و تضمین ایمنی آینده خود و خانواده، انگیزه‌هایی مثبت و مقبول به شمار می‌آیند، ولی هنگامی که انگیزه‌های مالی در شکل زیاده‌خواهی، رفاه‌طلبی و تجمل‌پرستی بروز می‌کنند و یا زمانی که اشتغال زنان جنبه رقابت با مردان و تلاش در جهت تشابه جنسی کامل به خود می‌گیرد، نمی‌توان موافقت اسلام را با چنین انگیزه‌هایی انتظار داشت. در همین راستا، مشارکت آزمندانانه زنان با شوهران خود در امر تجارت به‌عنوان یکی از نشانه‌های دوره آخرالزمان در روایات اسلامی نکوهش شده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۲۷).

البته در توضیح وجه کراهت اشتغال زنان در برخی روایات می‌توان این واقعیت تاریخی را گوشزد کرد که اسلام با الگوی تقسیم کار جنسیتی که در جامعه صدر اسلام حاکم بوده، مخالفتی نکرده است، بلکه می‌توان گفت احکام الزامی یا اولویت‌های دین در تثبیت این الگو نقشی مؤثری داشته‌اند. از یک‌سو، اسلام، نفقه زن را بر شوهر واجب کرده و زنان را از مسئولیت اقتصادی برابر خانواده معاف نموده است. از سوی دیگر، اهتمام اسلام به کاهش اختلاط جنسی در سطح جامعه و تأکید بر

نقش مادر- همسری زنان، زمینه فرهنگی مناسب را برای تقسیم کار جنسیتی فراهم کرده است، به این صورت که زنان بیشتر به سوی فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری سوق داده شده و مردان مشاغل بیرون از خانه را بر عهده گرفته‌اند. توجیهی که برای این رویکرد اسلام می‌توان یادآور شد این است که اسلام، اشتغال زنان را نه به‌خودی‌خود، بلکه در فرضی که به مصالح مهم‌تر به ویژه ایفای نقش‌های مادری و همسری و حفظ پاکی و سلامت اخلاقی جامعه آسیب می‌رساند، ناپسند شمرده است. در مقابل، چنان چه اشتغال زن با برخی عناوین مطلوب شرعی ملازم باشد و به جنبه‌های منفی یادشده نیز منجر نشود، می‌توان رجحان اشتغال زن را به‌عنوان ثانوی نتیجه گرفت. مثال آن موردی است که زن به دلیل عدم کفاف درآمد همسر برای تأمین هزینه‌های زندگی و به منظور یاری رساندن به او، به اشتغال روی می‌آورد، بدون آن که در انجام نقش‌های خانوادگی او اختلالی پدید آید یا ناگزیر از اختلاط با نامحرمان در محیط کار گردد، که مصداق روشن آن، اشتغال در محیط منزل یا مجاورت آن بدون حضور نامحرمان است. گفتنی است یاری رساندن زن به شوهر در امور دنیوی و اخروی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های زن شایسته در برخی روایات تأکید شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۴ و ۲۴) و اطلاق این روایات که کمک به شوهر در تأمین هزینه‌های زندگی از طریق اشتغال را نیز دربرمی‌گیرد، دلیل رجحان شرعی اشتغال زن در فرض یاد شده است.

اما نکته درخور توجه آن است که الگوی مطلوب اسلامی بر اساس ساختارهای اجتماعی و ادوار تاریخی گوناگون می‌تواند شکل‌های متفاوتی به خود بگیرد. از این رو، برای معرفی الگوی اسلامی در اوضاع اجتماعی کنونی ضرورت دارد عناصر اصلی الگوی صدر اسلام را از عناصر موقعیتی و عارضی آن تفکیک کنیم و با تکیه بر عناصر اصلی، الگوی متناسب با جامعه و زمان حاضر را ارائه دهیم.

همان گونه که اشاره شد، اسلام در اصل، با اشتغال زنان مخالفتی ندارد و تنها بر

کاهش اختلاط جنسی در جامعه و اولویت نقش مادر-همسری برای زنان تأکید می‌ورزد. بنابراین با رعایت این دو اصل در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان اجتماعی می‌توان در جهت تحقق الگوی اسلامی تقسیم کار جنسیتی و اشتغال زنان حرکت کرد؛ هرچند شکل این الگو در جامعه کنونی با شکل آن در جامعه صدر اسلام تفاوت‌های آشکاری خواهد داشت.

۶. مقایسه حق مالکیت زنان با مردان

اسلام حقوق مالی فراوانی را برای زن ثابت کرد و بر اساس این حمایت مالی، تمام دارایی‌های قانونی متعلق به زنان از قبیل ارث و مهر و نفقه، ملک زن می‌باشد و هرگونه تصرفی در آنها در اختیار اوست. این امر برخلاف حقوق مالی شوهر است که فرزندان او و همسر و پدر و مادر به‌عنوان افراد تحت تکفل، در مصرف آن شریک هستند و حتی با ضمانت اجرای کیفری، حق مطالبه از درآمدهای مالی او را دارند. بنابراین زنان برخلاف مردان، هزینه‌کرد مالی ندارند. با این توضیح مشخص می‌شود استقلال مالی زنان بیش از مردان است؛ زیرا مردان مسئول تأمین معاش و نفقه افراد تحت تکفل خود هستند و هزینه بهداشت و درمان و تأمین مسکن و تغذیه و مسافرت و تهیه زینت‌آلات همسر و مستخدم برای همسر در صورت نیاز را بر عهده دارند. (بیک‌زاده و دیگران، ۱۴۰۱ق، ص ۲۵۶۷)

۷. برخی موانع شرعی و قانونی اشتغال زنان

۷-۱. اذن شوهر برای خروج از منزل و قانون نفقه

طرفداران حقوق زن، مسئله لزوم احراز رضایت شوهر توسط زن برای خروج از منزل را که در شرع اسلام بر آن تأکید شده است، گاه به عنوان مانعی برابر اشتغال زنان مطرح می‌کنند. مبنی بر این ادعا، وقتی مرد از نظر شرعی می‌تواند خروج همسر خود از منزل را محدود یا ممنوع کند، بدان معنا خواهد بود که هر زن شوهرداری بالفعل یا بالقوه با مانعی جدی برابر اشتغال خود روبه‌روست.

در همین راستا ماده ۱۱۱۷ از قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز با بیان این که «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند» حق اشتغال زن را تابع اراده شوهر دانسته و به این ترتیب، مانعی قانونی در برابر اشتغال زنان شوهردار قرار داده است. برخی تا آنجا پیش رفته‌اند که حتی قانون نفقه (ماده ۱۱۰۶ از قانون مدنی) را که برگرفته از نص قرآن کریم است، در بردارنده پیام ضد اشتغال زن دانسته و خواهان تجدیدنظر در آن شده‌اند؛ زیرا براساس این قانون، نفقه زن در عقد دائم بر عهده شوهر قرار داده شده است و این امر می‌تواند کاهش مشارکت شغلی زنان را در پی داشته باشد. در ادامه باید دید تا چه اندازه می‌توان با ادعاهای یاد شده موافقت کرد.

ابتدا یادآوری چند نکته در این زمینه لازم است: نکته نخست، منافات نداشتن این حکم اسلامی با حق اشتغال زن است؛ زیرا به موجب قاعده اشتراط ضمن عقد که در فقه اسلامی تأکید شده است، زن می‌تواند برخوردار از حقوق مختلف، از جمله حق تحصیل و حق اشتغال در خارج از منزل را در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگری که با شوهر می‌بندد، شرط کند.

نکته دوم درباره توجه ویژه اسلام نسبت به ممنوعیت ضرر رساندن به دیگران است؛ بدین لحاظ، چنانچه ممانعت شوهر از خروج زن از منزل در شکل اصرار باشد - که البته تشخیص آن بر عهده افراد ذیصلاح خواهد بود - بنابر موجه‌ترین برداشت در مورد قاعده نفی ضرر، حتی امکان برخورد قضایی با شوهر در اسلام پیش‌بینی شده است.

سومین نکته نیز آن است که با توجه به شواهد عینی، مانع شرعی یاد شده در مقایسه با موانع اخلاقی و فرهنگی تأثیر اندکی دارد، چون در سال‌های اخیر، شاهد افزایش قابل توجه اشتغال زنان همراه با کاهش مخالفت مردان با این امر بوده‌ایم؛ از این رو، با فرض نبود موانع اخلاقی و فرهنگی نمی‌توان حکم شرعی یاد شده را مانعی

جدی برای اشتغال زنان در نظر گرفت.

با توجه به نکات فوق، پاسخ ایراد به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی نیز مشخص می‌شود و از این رو این ماده قانونی نمی‌تواند مانعی جدی برای اشتغال زنان شمرده شود. بدیهی است در استناد به این نکات برای توجیه قانون یادشده، تنها مواردی را در نظر داریم که تشخیص شوهر در مورد منافی بودن شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا همسر، تشخیص نادرستی باشد، یا اینکه وی به بهانه‌های واهی در صدد جلوگیری از اشتغال همسرش برآمده باشد، که در این حالات، ممانعت او از شغل همسر، اقدامی ناموجهی خواهد بود. اما ادعای ناسازگاری قانون نفقه با اشتغال زنان، در حقیقت به معنای ناسازگاری این قانون با برابری شغلی میان زن و مرد است، نه با اصل اشتغال زن. از این رو ایراد یادشده تنها از سوی کسانی قابل طرح است که برابری و تشابه جنسی میان زنان و مردان را به‌عنوان هدف غایی در عرصه اشتغال زنان مفروض می‌گیرند. ولی با رد این پیش‌فرض، هیچ ایرادی به قانون نفقه از جهت ناسازگاری آن با اشتغال زنان وارد نخواهد بود.

۲-۲. منع از اختلاط جنسی در محیط کار

چون الگوهای غیر اسلامی اشتغال زنان بیشتر اختلاط جنسی را مفروض می‌گیرند، دشواری‌ها و تعارضاتی برای خود زنان بروز می‌کند که گاه به موانعی برای اشتغال آنان تبدیل می‌شود. آزار جنسی در محیط کار یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که زنان شاغل در بسیاری از جوامع، به‌ویژه جوامع غربی از آن رنج می‌کشند و گمان نمی‌رود بدون تجدیدنظر در مبنای اختلاط جنسی، این مشکلات راه‌حل مناسب خود را بیابد. بر اساس برآوردها، در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدتی طولانی دچار آزار جنسی می‌گردند. این گونه واقعیت‌ها از آن جانشی می‌شوند که بیشتر مردان اعم از مدیران، کارفرمایان، همکاران و مشتریان هر چند ناخواسته، به زنان همچون موجوداتی جنسی می‌نگرند و این طرز نگرش به‌طور طبیعی

در رفتار آنان بازتاب می‌یابد. این در حالی است که پس از انقلاب اسلامی ایران، کاهش اختلاط جنسی در اماکن عمومی و به ویژه در محیط‌های شغلی به سبب بالا بردن احساس امنیت در زنان از سوی بیشتر آنان مورد استقبال قرار گرفته است (رستمی، ۱۳۷۹، ص ۹۶-۹۵).

مشکل دیگری که برخی از فمینیست‌ها به آن توجه کرده‌اند، تعارض نقش‌های شغلی و نقش‌های زنانگی است که زنان غربی معمولاً با آن روبه‌رو می‌شوند. نظر به اینکه فرهنگ غرب، انحصار خانواده را به عنوان مکان بروز زنانگی درهم شکسته است، زنان شاغل حتی اگر خود را از برخی نقش‌های زنانه - به‌خاص، همسری و مادری - به‌طور کامل رها سازند، در محیط شغلی به گونه‌ی دیگر از عوارض زنانگی رنج می‌برند. به گفته سیمون دوبوار، زن شاغل از جهاتی وضعیت نامناسب‌تری نسبت به همسر و مادر خانه‌نشین دارد؛ زیرا از او انتظار می‌رود در تمام اوقات و همه مکان‌ها همانند یک زن رفتار کند؛ یعنی ناگزیر است افزون بر وظایف شغلی، وظایفی را نیز که زنانگی مستلزم آنهاست (به‌طور خاص ارائه‌ی ظاهری دلپذیر) در دستور کار خود قرار دهد.

در نتیجه زنان تعارضی درونی میان علقه‌های شغلی و علقه‌های زنانگی احساس خواهند کرد. زن به میزانی که به علقه‌های شغلی خود اهتمام ورزد، احساس می‌کند از نمونه‌های زنانگی (زنانی که روزهای خود را در سالن‌های زیبایی می‌گذرانند) عقب افتاده است و به میزانی که به آراستگی ظاهری خود توجه نماید، احساس خواهد کرد که کارش نسبت به مرد شاغل در سطحی پایین‌تر قرار می‌گیرد.

الگوی اسلامی اشتغال زن، اصل را بر کاهش اختلاط جنسی در حوزه‌های عمومی جامعه قرار می‌دهد. قرآن کریم در داستان دختران شعیب (ع) به این نکته اشاره نموده و می‌فرماید: «هنگامی که موسی به چاه آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که در حال سیراب کردن چهارپایان خود بودند و کمی آن طرف تر دو زن را دید که

گوسفندان خود را به سمت آب نمی‌آوردند. موسی از آن دو پرسید: شما چه می‌کنید: ما به آنها آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (که نمی‌تواند چوپانی گوسفندان را به عهده بگیرد)» از این گذشته، اسلام بروز جنبه‌های جنسی زنانگی را در خارج از قلمرو خصوصی خانواده رد می‌کند. براین اساس، ضمن آن که احتمال آزار جنسی در محیط کار به عنوان یکی از موانع اشتغال زنان به میزانی قابل توجه کاهش می‌یابد، انتظار می‌رود اهتمام زنان در آن محیط صرفاً به علقه‌های شغلی معطوف شود و سطح موفقیت شغلی آنان افزایش پیدا کند.

ولی متأسفانه واقعیت‌های اجتماعی همواره فاصله زیادی با این تصویر آرمانی داشته‌اند و شاید نتوان جامعه یا دوره‌ای از تاریخ را یافت که در آن زنان توانسته باشند با آسایش خاطر و بدون هیچ گونه آزار و مزاحمتی از سوی مردان به کار بیرون از منزل پردازند. به نظر می‌رسد این امر که خود ریشه در تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و ضعف تربیت اخلاقی افراد دارد، یکی از نکاتی است که اسلام در اولویت دادن به اشتغال مردان در مقایسه با اشتغال زنان در نظر گرفته است.

به هر حال، اسلام تنها با الگویی از اشتغال زنان موافق است که سلامت اخلاقی جامعه را به مخاطره نیفکند و موجب افزایش نا امنی جنسی نگردد.

نتیجه‌گیری

بررسی جایگاه استقلال مالی و اقتصادی زنان در نظام قانون‌گذاری اسلام، نشان می‌دهد که این امر نه تنها مورد تأیید اسلام است، بلکه اسلام به شدت بر آن تأکید داشته و از حقوق مالی و اقتصادی بانوان دفاع می‌کند.

شواهد و ادله فراوانی از قرآن کریم، سنت نبوی و احکام فقهی وجود دارد که مؤید این مدعا هستند. در آموزه‌های قرآنی، مسئله مالکیت زنان و حق تصرف آنها در اموال شخصی به روشنی بیان شده است. آیات متعددی همچون آیات میراث (نساء، ۷ و ۱۱) حق مالکیت مستقل زنان را تصریح می‌کنند. همچنین قرآن حق کسب روزی و اشتغال زنان را نیز به رسمیت شناخته است. در سیره عملی پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز نمونه‌های آشکار زنان شاغل و دارای درآمد مستقل وجود دارد.

از منظر فقه اسلامی و احکام شرعی نیز استقلال مالی بانوان به جد مورد توجه قرار گرفته است. زنان در برابر هزینه‌هایی که شوهران‌شان انجام می‌دهند، هیچ دینی ندارند و خودگردان و آزاد در تصرف و هزینه اموال شخصی خود هستند. این امر چه در حوزه مالکیت، چه در کسب درآمد و چه در خودگردانی مالی محقق شده است. چنین رویکردی در اسلام، منطبق با اصول و مبانی بنیادین این دین الهی است. توجه به کرامت انسان، عدالت، آزادی فرد و برابری انسان‌ها در ذات، همگی ایجاب می‌کند استقلال اقتصادی و مالی زنان به رسمیت شناخته شود. بدون تردید چنین برداشتی از جایگاه زن در نظام قانون‌گذاری اسلامی، آثار و پیامدهای ارزشمندی برای حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان خواهد داشت.

در مجموع می‌توان گفت حقوق مالی و اقتصادی زنان از موضوعات مهم در نظام قانون‌گذاری اسلامی بوده و اسلام نه تنها مانعی در این زمینه ایجاد نکرده، بلکه با تأکید بر این حقوق، گامی اساسی در جهت تکریم و احترام به جایگاه واقعی زن برداشته است. تحقق کامل این امر، رویکردی عادلانه به موضوع مالکیت و حقوق

اقتصادی زن می‌باشد و از آنجا که شأن واقعی او را به او باز می‌گرداند، قابل تقدیر است.



منابع و مآخذ

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات الهادی.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۳، **تحف العقول**، ترجمه پرویز اتابکی، قم: دارالحدیث.
۲. انصاری قربطی، محمد بن احمد، ۱۳۶۸، **الجامع للحکام القرآن**، چاپ دوم، تهران: ناصر خسرو.
۳. بستان (نجفی)، احمد، ۱۳۸۳، **اسلام و جامعه شناسی خانواده**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۴. بیگ زاده، زهرا؛ سالارزائی، امیر حمزه و مختاری افراکتی، نادر، ۱۴۰۱، «حمایت و استقلال مالی زنان در خانواده و چالش های اجرایی آن با نگاهی به آیات و روایات» **ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران**، دوره ۵، شماره ۱۰، صص ۲۵۸۶-۲۵۵۳.
۵. حر عاملی، ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، قم: موسسه آل بیت (ع).
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، بی تا، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۷. دیانی، عبدالرسول، ۱۳۸۷، **حقوق خانواده**، تهران: میزان.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، **مفردات غریب القرآن**، بی جا، دفتر نشر کتاب.
۹. رستمی، الهه، ۱۳۷۹، **جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی**، تهران: جامعه ایرانیان.
۱۰. صدر، حسن، ۱۳۹۵، **حقوق زن در اسلام و اروپا**، تهران: جاویدان.
۱۱. صفایی، سیدحسین، ۱۳۷۸، **حقوق خانواده**، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.

۱۲. طاهریان، احمد، ۱۳۸۹، **حضور زن در عرصه های اجتماعی و اقتصادی از نگاه آیات و روایات**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. طاهری نیا، احمد، ۱۳۸۴، «زن و استقلال اقتصادی»، **نشریه معرفت**، شماره ۸۹.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۲، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ق، **المعجم الکبیر**، محقق حمدی بن عبد المجید، چاپ دوم، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۷. علوی حسینی موسوی، ۱۳۸۸، محمد کریم، **کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقایق**، ترجمه حاج عبدالمجید، چاپ سوم، تهران: اقبال.
۱۸. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۲، **مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران**، تهران: اقبال.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، **اصول کافی**، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ.
۲۰. مهرپور، حسین، ۱۳۷۹، **مباحثی از حقوق زن**، تهران: اطلاعات.
۲۱. ناظمی، غلامرضا، ۱۳۸۹، **برابری زن و مرد در اسلام و غرب**، مشهد: ضریح آفتاب.
۲۲. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).